

بشارت بهشت بر شیعیان حضرت زهرا



آنکه رسول اکرم به شیعیان امیرالمؤمنین و فرزندان معصومش بشارت بهشت را داده است و در منقبت و عظمت مقام آنان مطالبی بیان داشته‌اند، نسبت به شیعیان زهرا علیهاالسلام نیز عینا با ذکر همان مناقب مزدهی بهشت داده‌اند. شیعه یعنی تابع و پیرو و اقتداکننده. شیعه‌ی علی کسی است که از علی علیه‌السلام هدایت می‌یابد و همراه او و متمسک و دست به دامن اوست. شیعه‌ی فاطمه علیهاالسلام در اخبار عینا در ردیف شیعیان علی است. گاه پیامبر اکرم در مدح شیعیان امیرالمؤمنین سخن می‌گوید، و گاه در منقبت شیعیان فاطمه سلام‌الله

چنانکه رسول اکرم به شیعیان امیرالمؤمنین و فرزندان معصومش بشارت بهشت را داده است و در منقبت و عظمت مقام آنان مطالبی بیان داشته‌اند، نسبت به شیعیان زهرا علیهاالسلام نیز عینا با ذکر همان مناقب مزدهی بهشت داده‌اند. شیعه یعنی تابع و پیرو و اقتداکننده. شیعه‌ی علی کسی است که از علی علیه‌السلام هدایت می‌یابد و همراه او و متمسک و دست به دامن اوست. شیعه‌ی فاطمه علیهاالسلام در اخبار عینا در ردیف شیعیان علی است. گاه پیامبر اکرم در مدح شیعیان امیرالمؤمنین سخن می‌گوید، و گاه در منقبت شیعیان فاطمه سلام‌الله علیها و همین روش رسول خدا نشانگر این است که حضرت زهرا علیهاالسلام خود استقلال دارد و دارای کرامات و مقام والا و صاحب ولایت کبری می‌باشد.

اینک حدیثی از پیامبر اکرم در شان آن حضرت:

«عن جابر بن عبدالله مرفوعا اذا كان يوم القيامة تقبل ابنتي فاطمة على ناقة من نوق الجنة... خطابها من لولو رطب، فوائمها من الزمرد الاخضر، ذنبها من المسك الاذفر، عيناها ياقوتان حمراوان، عليها قبة من نور، بری ظاهرها من باطنها، و باطنها من ظاهرها، داخلها عفو الله، خارجها رحمة الله، علی راسها تاج من نور، للتاج سبعون ركنا، كل ركن مرصع بالدر و الياقوت. يضيء كما يضيء الكوكب الدر في افق السماء على يمينها سبعون الف ملك، و عن شمالها سبعون الف ملك، و جبرئيل آخذ بخطام الناقة، ينادي باعلى صوته:

غضا ابصاركم حتى تجوز فاطمة بنت محمد؛ فلا يبقى يومئذ نبی و لا رسول و لا صديق و لا شهيد الا غضا ابصارهم حتى تجوز فاطمة فتسير حتى تحاذي عرش ربها جل جلاله... فاذا النداء من قبل الله جل جلاله: يا حبيبتي و ابنة حبيبي، سليني تعطي، و اشفعي تشفعي... فتقول: الهی و سیدی ذریتی و شیعیتی، و شیعة ذریتی و محبی، و محبی ذریتی. فاذا النداء من قبل الله جل جلاله: این ذریة فاطمة و شیعتها و محبوها و محبو ذریتها، فیقبولون و قد احاط بهم ملائكة الرحمة، فتقدمهم فاطمة، حتى تدخلهم الجنة». (1) جابر بن عبدالله از رسول خدا روایت می‌کند که فرمود:

«هنگامی که روز قیامت فرارسد، دخترم فاطمه سوار بر ناقه‌ای از ناقه‌های بهشتی وارد عرصه محشر می‌شود، که مهار آن ناقه از مروارید درخشان و چهارپای آن از زمرد سبز، دنباله‌اش از مشک بهشتی، چشمانش از یاقوت سرخ، و بر فراز آن، قبه‌ای (خیمه‌ای) از نور، که بیرون آن از درونش و درون آن از بیرونش نمایان است. فضای داخل آن قبه، انوار عفو الهی و خارج آن خیمه، پرتو رحمت خدایی است. و بر فرازش تاجی از نور که دارای هفتاد پایه است از در و یاقوت که همانند ستارگان درخشان در افق آسمان نورافشانند. از جانب راست آن مرکب هفتاد هزار ملک، و از طرف چپ آن هفتاد هزار فرشته است- و جبرئیل در حالی که مهار ناقه را گرفته است- با صدای بلندی ندا می‌کند: نگاه خود را فراسوی خویش گیرید، و نظرها به پایین افکنید، این فاطمه دختر محمد است که عبور می‌کند. در آن هنگام، حتی انبیا و صدیقین و شهدا همگی از ادب، دیده فرومی‌گیرند؛ تا اینکه فاطمه عبور می‌کند و در مقابل عرش پروردگارش قرار می‌گیرد، آنگاه از جانب خدا جل جلاله ندا می‌شود: ای محبوبه‌ی من، و ای دختر حبيب من، بخواه از من آنچه می‌خواهی؛ تا عطایت کنم و شفاعت کن هر که را مایلی تا قبول فرمایم. در جواب عرضه می‌دارد: ای خدای من، و ای مولای من، دریاب ذریه‌ی مرا، شیعیان مرا، پیروان مرا، و دوستان ذریه‌ی مرا. بار دیگر از جانب حق خطاب می‌رسد: کجا هستند ذریه فاطمه و پیروان او؟ کجاچند دوستدارانش، و دوستداران ذریه‌ی او؟ در آن هنگام جماعتی به پیش می‌آیند و فرشتگان رحمت آنان را از هر سوی در میان می‌گیرند. و فاطمه علیهاالسلام در حالی که پیشگام آنهاست همگی را همراه خود به بهشت وارد می‌فرماید».

حضرت صدیقه سلام‌الله‌علیها در روز قیامت سوار بر مرکبهای متفاوت به تناسب موافق متعدد است؛ و اینکه در احادیث وارد، مرکبهای آن حضرت، متفاوت ذکر شده است، و به نظر بعضی‌ها نوع مرکب مورد اختلاف بوده است صحیح نیست. زیرا هر مرکبی که بیان شده است با مشخصات معین در موقف معین بوده و همه‌اش درست جای اختلاف نیست؛ و علت اختلاف در مشخصات مرکب، از این جهت است که هنگامی که فاطمه علیهاالسلام به سوی عرش الهی سیر می‌کند مرکب خاصی دارد، و قتیکه از مقابل عرش به جانب بهشت روان است يك مرکب مخصوص دیگر؛ و همچنین هنگام ورود به بهشت و جولان و طیران در فضای رحمت الهی- همانند جعفر طیار- دارای مرکبهای خاص و گوناگون می‌باشد. در روایتی که ذکر شد، و مشخصات یکی از مرکبهای آن حضرت بیان گردید و گفته شد که جبرئیل مهار ناقه‌ی بهشتی زهرا سلام‌الله‌علیها را در روز محشر می‌گیرد. می‌توان گفت که جبرئیل، نماینده‌ی خاص خدای لامکان، در هر مکان و موقعی است و در برخی از آیات و روایات که جمله‌ی «خدا آمد» بکار رفته است، دانشمندان همه را حمل بر آمدن جبرئیل نماینده‌ی حق تبارک و تعالی نموده‌اند؛ لذا هنگام ورود فاطمه علیهاالسلام به عرصه‌ی محشر، آن یکتا کنیز برگزیده‌ی خدا و بانوی بانوان عالم از اولین و آخرین، همین شایسته‌ی اوست که مهار مرکبش را جبرئیل امین بگیرد و با افتخار ندا کند:

«غضا ابصارکم حتى تجوز فاطمة بنت محمد». (2)

در يك روایت دیگر از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم چنین نقل شده است که فرمود: «... ینادی مناد من بطنان العرش، یا اهل القیامة غضا ابصارکم، هذه فاطمة بنت محمد، تمر علی الصراط، فتمر فاطمة علیها و تمر شیعتها علی الصراط کالبریق الخاطف...». (3)

«روز قیامت منادی از میان عرش الهی ندا می‌کند: ای اهل محشر چشمان خود فروگیرید، این فاطمه دختر محمد است که از صراط عبور می‌کند، آنگاه فاطمه با شیعیان

بسرعت برق از صراط می‌گذرند».

در حدیث دیگری از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که فرمود: «... ثم يقول جبرئيل: يا فاطمة سلی حاجتك. فتقولين: يا رب شيعتي. فيقول الله عز و جل: قد غفرت لهم. فتقولين: يا رب شيعه ولدی. فيقول الله: قد غفرت لهم. فتقولين: يا رب شيعه ولدك و شيعه اميرالمؤمنين آمنه روعاتهم...» (4)

«پس آنگاه جبرئیل عرض می‌کند: ای فاطمه، هر چه می‌خواهی از خدای خویش طلب کن. فاطمه عرض می‌کند: خدایا، شیعیان مرا دریاب. خطاب می‌رسد: همه‌ی شیعیان تو را آمرزیدم. عرضه می‌دارد: پروردگارا، شیعه‌ی فرزندانم را نیز نجات بده. ندا می‌آید: همه‌ی آنان را بخشیدم؛ یا فاطمه، اینک در میان اهل محشر برو و هر کسی که به تو پناهنده شود، همراه تو به بهشت وارد خواهد شد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سپس به سخنان چنین ادامه داد: در آن هنگام همه‌ی مردم آرزو می‌کنند که ای کاش ما نیز فاطمی بودیم. یا فاطمه، در چنین روزی است که شیعیان تو، پیروان اولاد تو، و شیعیان امیرالمؤمنین در پی تو به سلامت وارد بهشت می‌شوند».

جناب جابر در يك حدیث مفصل از حضرت باقر سلام‌الله‌علیه نقل می‌کند که فرمود:

«... والله يا جابر انها ذلك اليوم لتلتقط شيعتها و محبيها كما يلتقط الطير الحب الجيد من الحب الرديء، فاذا سار شيعتها معها عند باب الجنة، يلقى الله في قلوبهم ان يلتفتوا، فاذا التفتوا فيقول الله عز و جل: يا احبائي ما التفاتكم؟ فقد شفعت فيكم فاطمه بنت حبيبي. فيقولون: يا رب احبنا ان يعرف قدرنا في مثل هذا اليوم. فيقول الله: يا احبائي ارجعوا و انظروا من احبكم لحب فاطمه، انظروا من اطعمكم لحب فاطمه، انظروا من كساكم لحب فاطمه، انظروا من سقاكم شربه في حب فاطمه، انظروا من رد عنكم غيبه في حب فاطمه، خذوا بيده و ادخلوه الجنة. قال ابو جعفر: والله لا يبقى في الناس الا شاك او كافر او منافق...» (5)

«به خدا قسم یا جابر، این است همان روزی که مادرم زهرا شیعیان خود را از میان اهل محشر جدا می‌کند چنان مرغی که دانه‌های خوب را از بد جدا می‌سازد. و چون همراه فاطمه شیعیانش به در بهشت می‌رسند، خدا در قلب آنان چنین الفاء می‌فرماید که به پشت سر خویش نگاه کنند؛ آنگاه که به عقب سر خود نظر افکنند، از جانب خدای تعالی خطاب می‌شود: سبب چیست که شما به پشت سرتان نگاه می‌کنید؟ من که شفاعت فاطمه دخترم حبیبم محمد را درباره‌ی شما پذیرفتم. عرض می‌کنند: پروردگارا دوست می‌داریم قدر و منزلت ما شیعیان فاطمه در چنین روزی شناخته شود. پس، از جانب خدای تعالی خطاب می‌شود: ای دوستان من برگردید، برگردید (به صحنه‌ی محشر)، نظر افکنید (در میان آن جماعت و) هرکس را که برای دوستی فاطمه شما را دوست داشته است هر کس را که به خاطر زهرا به شما دوستداران فاطمه اطعام کرده؛ نیکی نموده، و با جرعه‌ی آبی سیرابتان کرده، و یا از غیبت افراد درباره‌ی شما مانع شده است؛ دست او را بگیرید و به بهشت واردش کنید، سپس حضرت ابو جعفر (امام باقر) علیه‌السلام اضافه فرمود: به خدا سوگند از برکت محبت حدهام زهرا کسی بر جای نمی‌ماند جز آنکسی که نسبت به مقام والای آل‌محمد تردید داشته و یا کافر و یا منافق باشد».

در «تفسیر فرات بن ابراهیم» روایتی از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که آن حضرت فرمود:

«... تدخل فاطمة ابنتي الجنة و ذريتها و شيعتها... و ذلك قوله تعالى: (لا يحزنهم الفزع الاكبر) (6)

... (و هم فی ما اشتهدت انفسهم خالدون) (7) هی والله فاطمة و ذريتها و شيعتها...» (8)

«دخترم فاطمه با ذریه و شیعیانش وارد بهشت می‌شوند، و در این مورد است که خدای تعالی می‌فرماید: هرگز فزع اکبر (هول و هراس بزرگ روز قیامت) آنها را غمگین نمی‌سازد... و با هر چه که بدان تمایل دارند برای همیشه متنعمنند...».

آری، فاطمه و ذریه و شیعیان او در پناه رحمت خدا، از وحشت روز محشر در امن و امان هستند و از اینجا معلوم می‌شود که حضرت زهرا دارای شیعه‌ی مخصوص به خود و صاحب استقلال شخصیت می‌باشد.

عاصمی در کتاب زین الفتی- در بخش «الشراط الساعة»- از سلمان چنین روایت می‌کند که پیامبر اکرم فرمود:

«يا سلمان و الذی بعثنی بالنبوة لاخذن يوم القيامة بحجرة جبرئيل، و علی اخذ بحجرتی، و فاطمة آخذة بحجرتی، والحسن آخذ بحجرة فاطمة، والحسين آخذ بحجرة الحسن، و شيعتهم آخذة بحجرتهم. فاین تری الله ذاهبا برسول الله؟ و این تری رسول الله ذاهبا باخيه؟ و ان تری اخا رسول الله ذاهبا بزوجه؟ و این تری فاطمة ذاهبة بولدها؟ این تری ولد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ذاهبین بشيعتهم؟ الی الجنة و رب الكعبة یا سلمان، الی الجنة و رب الكعبة یا سلمان، الی الجنة و رب الكعبة یا سلمان، عهد عهد به جبرئیل من عند رب العالمین» (9)

«ای سلمان، قسم به وجود مقدسی که مرا به پیامبری مبعوث فرموده است، در روز قیامت، من دامان جبرئیل (نماینده‌ی خدای عز و جل را می‌گیرم، و علی دامان مرا، و فاطمه دامان علی را، و حسن دامان فاطمه را، و حسین دامان حسن را، و شیعیانشان دست به دامان آنها هستند. آیا گمان می‌کنی، خدای تعالی پیامبرش را (پناهنده‌ی خود را) کجا می‌برد؟ و پیامبر، برادرش علی را؟ و علی همسرش زهرا را؟ و فاطمه دو فرزندش را؟ و آنها شیعیانشان را کجا خواهند برد؟ سپس پیامبر اکرم سه بار تکرار فرمودند: ای سلمان قسم به خدای کعبه به سوی بهشت می‌برند؛ و این پیمانی است که جبرئیل از جانب پروردگار جهانیان وعده داده است». اعتراف و ایقان به ولایت حضرت صدیقه سلام‌الله‌علیها، و اظهار تشیع و دوستی نسبت به او، در زیارت مخصوص آن حضرت نیز با این جملات بیان شده است: «خدایا شاهد باش که من از شیعیان زهرا و از دوستان اویم و معتقد به ولایت آن حضرت هستم».

با توجه به اینکه حضرت فاطمه صدیقه سلام‌الله‌علیها در والاترین مناقب و برترین مقامات با پدر و همسر و فرزندانش مشترك است و با در نظر گرفتن مطالبی که نسبت به مراتب عالی آن حضرت در روز قیامت بیان شد، و بشارتهائی که درباره‌ی شیعیانش از پیامبر اکرم نقل شده است، هرگز معقول نیست که صاحب این مقامات عالیه ولیة‌الله نباشد.

مطالبی را که بیان شد، از اخباری که در علت نامگذاری حضرت صدیقه سلام‌الله‌علیها به اسامی «فاطمه» و «بتول» وارد شده است می‌توان استفاده کرد. فاطمه اسمی است که از اسماء حق تبارک و تعالی مشتق گردیده، و بر عرش و جنت چنین نوشته شده است: «إنا الفاطر و هذه فاطمه».

در کتاب ذخائر العقبی می‌خوانیم:

«قال رسول الله صل الله علیه و اله و سلم لفاطمة: يا فاطمه تدرين لم سميت فاطمة؟ قال علی: يا رسول الله لم سميت فاطمة؟ قال: ان الله عز و جل قد فطمها و ذريتها عن النار يوم القيامة» (10)

«پیامبر اکرم به فاطمه فرمود: آیا می‌دانی چرا اسم ترا فاطمه نهاده‌اند؟ علی عرض کرد: یا رسول‌الله خودتان بفرمایید سبب این تسمیه چیست. پیامبر اکرم فرمود: سبب این است که خدای تعالی فاطمه و شیعیان او را از آتش روز قیامت منقطع و دور نگهداشته است».

روایت مذکور را محب‌الدین طبری در ذخائرالعقبی از ابن‌عساکر نقل کرده است و اضافه می‌کند که این حدیث را امام علی بن موسی الرضا علیهماالسلام نیز در مسند

خود ذکر کرده است. محب‌الدین طبری می‌گوید حضرت رضا در کتاب مسندش چنین می‌فرماید:

«ان رسول‌الله صلی الله علیه و آله و سلم قال: ان عز و جل فطم ابنتی فاطمه و ولدها و من احبهم من النار فلذلك سمیت فاطمه». (11)

«پیامبر اکرم فرمود: بدستیکه خدای تبارک و تعالی دخترم فاطمه و فرزندانش را و هرکسی را که آنان را دوست بدارد از آتش منقطع و دور گردانیده است و از این جهت است که او را فاطمه نامیده‌اند».

علاوه بر دانشمندانی که نامشان برده شد، جمعی دیگر از علماء نیز این روایت را در کتابهای خود آورده‌اند، از جمله عبیدی مالکی (12) در عمده‌التحقیق این مطلب را ذکر کرده است.

(13) قسطلانی که یکی از دانشمندان بزرگ عامه است در مواهب اللدنیه چنین نقل می‌کند:

«روی النسائی و الخطیب مرفوعا: (انما سمیت فاطمه لان الله فطمها و محبها عن النار).

(14) و (سمیت بتول لانقطاعها عن نساء زمانها فضلا و دینا و حسبا. و قبل لانقطاعها عن الدنيا الى الله تبارک و تعالی) قاله ابن الاثیر». (15)

«نسائی و خطیب بغدادی از پیامبر روایت کرده‌اند که فرمود: (فاطمه به این دلیل فاطمه نامیده شده که خدای تبارک و تعالی او را و دوستانش را از آتش منقطع و دور گردانیده است)؛ و ابن اثیر می‌گوید: (او را بتول نامیده‌اند، زیرا از نظر تدین و فضیلت و اصالت از تمام زنان عصر خویش جدا و ممتاز بوده است؛ همچنین گفته شده که تسمیه او به بتول به این دلیل است: که فاطمه دل از دنیا گسسته و به خدای خویش پیوسته است)».

هر یک از نامهای حضرت فاطمه سلام‌الله‌علیها رمزی و سری دارد که در اخبار وارد است، چرا فاطمه‌اش نامیده‌اند؟ چرا او را بتول گفته‌اند، و چرا اسمش را عذرا نهاده‌اند؟ چنانکه گفته شد «فاطمه» و «بتول» در حقیقت هر دو يك معنی دارند که به فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم حاکی از این است که حضرت فاطمه و فرزندان و شیعیان او در روز قیامت از آتش منقطع و دورند. خدا ما را نیز از شیعیان فاطمه سلام‌الله‌علیها قرار بدهد، ان‌شاء‌الله.

1- امالی صدوق ص 25، بحارالانوار ج 43 / 220 219.

2- یعنی: (چشمان خود فرودبندید تا فاطمه عبور نماید). این جمله در روایات متعدد با عبارات مختلفی ایراد گردیده است، که از آن قبیل است:

«غضوا ابصارکم حتی تجوز فاطمه الصدیقه بنت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و من معها».

«غضوا ابصارکم کم لتجوز فاطمه بنت محمد صلی الله علیه و آله و سلم سیده نساءالعالمین علی الصراط».

«غضوا ابصارکم و نکسوا روسکم».

«غضوا ابصارکم تمر فاطمه بنت رسول‌الله صلی الله علیه و آله و سلم».

«غضوا ابصارکم حتی تعبر فاطمه بنت محمد صلی الله علیه و آله و سلم».

«غضوا ابصارکم حتى تمر فاطمه بنت حبيب الله صلی الله علیه و آله و سلم».

«غضوا الابصار فان هذه فاطمه تسیر».

«غضوا ابصارکم فهذه فاطمه بنت محمد رسول‌الله صلی الله علیه و آله و سلم تمر علی الصراط».

«نکسوا روسکم و غضوا ابصارکم حتى تجوز فاطمه علی الصراط».

«طاطاوا الروس و غضوا الابصار، فان هذه فاطمه تسیر الى الجنة».

حاکم نیسابوری درباره‌ی روایت فوق می‌گوید: «این حدیث- علی شرط الشیخین (یعنی بر مبنای شرط بخاری و مسلم)- صحیح است». (مستدرک حاکم ج 3 / 153).

این ابی‌الحدید در شرح نهج‌البلاغه ج 9 / 193 پس از نقل این روایت چنین می‌گوید: «و هذا من الاحادیث الصحیحه، و لیس من الاخبار المستضعفه». یعنی این روایت از احادیث صحیحه می‌باشد و از جمله احادیث ضعیف نیست.

بعضی از مصادر این روایت در کتب عامه از این قرار است: معجم کبیر طبرانی ج 1 / 108 ح 180، مستدرک حاکم ج 3 / 153، 161، اسد الغابه ج 5 / 523، تلخیص المستدرک ج 3 / 153، فرائد السمطین ج 2 / 49 ح 380، الصواعق المحرقة ص 289، کنز العمال ج 12 / ص 105، 106 ح 34209-34211، ص 108 ح 34219، ص 109، 110 ح 34229، پناهیع الموده ص 182، الاتحاف ص 46.

این روایت در کتب شیعه نیز موجود است که از جمله می‌توان به مصادر ذیل مراجعه نمود: تفسیر الامام العسکری- ذیل تفسیر سوره‌ی البقره، آیه‌ی 93- ص 434، کنز الفوائد ص 253، 254، 355، 356، تفسیر فرات ص 437، 438 / 578. کسانی که مایل به بررسی بیشتر روایات شیعی در این باره هستند مراجعه بفرمایند به: بحارالانوار ج 7 / 336، ج 32 / 610، ج 37 / 70، ج 43 / 52، 53، 62، 64، 219، 220، 221، 223، 224، ج 68 / 59.

3- بحارالانوار ج 43 / 223.

4- تفسیر فرات ص 444-447 / 587، بحارالانوار ج 8 / 54، 43 / 227، این حدیث که توسط امیرالمؤمنین از پیامبر اکرم نقل گردیده است نسبتا طویل است و در آن به بعضی از مناقب حضرت زهرا علیها‌السلام- خصوصا به موقف و مقام حضرت صدیقه در محشر- اشاره گردیده که ما بدلیل اهمیت آن، متن کامل روایت را در تعلیق شماره‌ی 5 آورده‌ایم.

5- تفسیر فرات ص 299 / 403، بحارالانوار ج 8 / 52، 43 / 65. متن کامل این روایت در تعلیق شماره‌ی 6 آمده است.

6- سوره‌ی الانبیاء، آیه‌ی 103.

7- وره‌ی الانبیاء، آیه‌ی 102.

8- این عبارت در دو روایت نقل شده است که هر دو در کتاب تفسیر فرات آمده است. مراجعه بفرمایید به: تفسیر فرات ص 269، 437، 438 / 362، 578، بحارالانوار ج 7 / 336، ج 43 / 63، ج 65 / 60.

9- زین الفتی فی شرح سوره هل اتی (نسخه‌ی مخطوط این کتاب در نجف اشرف در اختیار مرحوم علامه امینی بوده است).

10- ذخائرالعقبی ص 26، پناهیع الموده ص 194، ارجح المطالب ص 24، 263، 445. نسائی و خطیب بغدادی روایت می‌کنند که پیامبر فرمود: «ان ابنتی فاطمه حوراء آدمیه، لم تحض و لم تطمت، انما سماها فاطمه لان الله فطمها و محبها عن النار». (الصواعق المحرقة ص 245، کنز العمال ج 12 / 109 ح 34226).

11- ذخائرالعقبی ص 26، پناهیع الموده ص 194، ارجح المطالب ص 445 263 24.

12- ابراهیم بن عامر علی عبیدی مصری مالکی متوفای 1091 هجری. وی دارای تالیفات متعددی است که یکی از آنها کتاب «عمده‌التحقیق فی بشارت آل‌الصدیق» می‌باشد. (ایضاح المکنون ج 1 / 52، هدیه‌العارفین ج 1 / 33، معجم المولفین ج 1 / 33).

13. عبیدی این روایت را عیناً از کتاب ذخائرالعقبی نقل می‌نماید. (عمده التحقیق ص 15، ذخائرالعقبی ص 26). همچنین دیلمی نقل می‌کند که پیامبر فرمود: «انما سمیت ابنتی فاطمه لان الله فطمها و محبها عن النار». (فردوس الاخبار ج 1 / 426 / 1395، الصواعق المحرقة ص 235).
14. المواهب اللدنیه ج 1 / 394. همچنین مراجعه بفرمایید به: الصواعق المحرقة ص 245، فرائد السمطين ج 2 / 48، 57، 58 / ح 379، 384، کنز العمال ج 12 / 109 / ح 34226.
15. المواهب اللدنیه ج 1 / 394، 395. همچنین مراجعه بفرمایید به النهایه- ذیل کلمه‌ی «بتل»- ج 1 / 94.